

«بخش هایی از کتاب آیین زندگی (احمدحسین شریفی)»

«جزوه اخلاق اسلامی»

### «مقدمه»

## ۱. معناشناسی اخلاق و علم اخلاق

معنای لغوی: واژه ی اخلاق در لغت به معنای «سرشت و سجه» به کار می رود. اعم از سجایای نیکو و پسندیده مانند راستگویی و پاکدامنی یا سجایای زشت و ناپسند مانند دروغ گویی.

معنای اصطلاحی: صفات و ویژگیهای پایدار در نفس که موجب می شوند کارهایی متناسب با آن صفات به طور خودجوش و بدون نیاز به تفکر و تأمل از انسان صادر شود.

علم اخلاق: علمی است که ضمن معرفی و شناساندن انواع خوبی ها و بدی ها راههای کسب خوبی ها و رفع و دفع بدی ها را به ما تعلیم می دهد.

## ۲. انواع پژوهشهای اخلاقی

۲-۱- اخلاق توصیفی: به توصیف و معرفی اخلاقیات افراد، گروهها و جوامع مختلف می پردازد. این پژوهش با متد تاریخی و نقلی صورت می گیرد.

**۲-۲- اخلاق هنجاری:** به بررسی افعال اختیاری انسان از حیث خوبی یا بدی و بایستگی و نبایستگی می پردازد. موضوع بحث در این پژوهش افعال اختیاری انسان است نه دیدگاههای افراد، گروهها یا اقوام و ادیان خاص.

**۲-۳- فرااخلاق:** به بررسی تحلیلی و فلسفی درباره ی مفاهیم و احکام اخلاقی می پردازد.

### **۳. اخلاق کاربردی**

عبارت است از کاربرد و تطبیق استدلالها، اصول، ارزشها و ایده آلهای اخلاقی در مورد رفتارهای اخلاقی اعم از رفتارهای فردی و اجتماعی.

## **«اخلاق دانشجویی»**

### **۱. اهمیت و ضرورت**

اهمیت علم و علم آموزی از دیدگاه اسلام به قدری واضح است که نیازی به توضیح ندارد. نخستین آیاتی که بر پیامبر اکرم نازل شد بهترین دلیل بر جایگاه ویژه تعلیم و تعلم در اسلام است. همچنین قرآن کریم نیز صراحتاً تعلیم را یکی از اهداف اساسی برانگیختن پیامبر اکرم (ص) دانسته است. ضرورت تحصیل علم از دیدگاه اسلام ضرورتی مطلق است. یعنی نه قید افرادی دارد نه قید زمانی نه قید مکانی و نه هیچ قید و محدودیت دیگری. حدیث بسیار مشهور و معروف پیامبر اکرم (ص) که فرمود: «**طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ**» «علم آموزی بر هر مسلمانی واجب است.» اختصاص تحصیل علم به طبقه یا صنف یا جنس خاصی را رد کرده است. با این همه تحصیل علم مطلوبیت ذاتی ندارد و به صرف کسب علم به سعادت حقیقی نمی رسد بلکه باید شرایط و آداب و اخلاقیات آن را بدانیم.

## ۲. دانش اندوزی و پارسایی

متون اسلامی در کنار دعوت به دانش اندوزی بر پارسایی همزمان با تعلیم بر تزکیه و زدودن دل از زنگار گناه و وسوسه ی شیطان نیز تاکید می ورزند به سبب این که تفکر آدمی را از بند اسارت شیاطین درونی و بیرونی آزاد سازند.

## ۳. موانع دست یابی به علم حقیقی

۳-۱- پیروی از حدس و گمان: چون دستیابی به یقین و تشخیص واقعیت در همه ی امور روزمره زندگی کاری دشوار یا غیرممکن است بیشتر آدمیان اساس زندگی خود را بر گمان بنا می کنند. این عادت ناپسند یکی از لغزشهای فهم و اندیشه است.

۳-۲- تقلید کورکورانه: متأسفانه بسیاری از مردمان در اندیشه و نوع نگاه به مسائل کلی و حیاتی نیز از دیگران تقلید می کنند. براین اساس یکی از موانع تحصیل علم واقعی سپردن مهار تفکر به دست دیگران است.

۳-۳- شتاب زدگی: انسان گاه در داوریهای علمی و عقلانی خود شتاب می کند و به صرف فراهم آمدن اطلاعاتی اندک درباره ی یک موضوع به نتیجه گیری می پردازد و چنان می پندارند که به همه ی جوانب مساله احاطه ی کامل دارند.

۳-۴- تمایلات نفسانی: دیدگان اندیشه زمانی می توانند به جمال حقیقت روشن شوند که گرد و غبار گرایشهای نفسانی بر چهره ی آن ننشسته باشد و از اسارت و بردگی وهم و خیال رهیده باشد.

## ۴- آداب اخلاقی آموختن

۴-۱- انگیزه الهی (اخلاص): براساس نظام اخلاقی اسلام نیت و انگیزه بیش از خودعمل اهمیت دارد و به همین دلیل پیامبر اکرم «ص» می فرماید: نیت مومن بهتر از عمل اوست. در اخلاق اسلامی صرف «حسن فاعلی» یعنی خوب بودن کار برای ارزش گذاری اخلاقی یک کار کافی نیست بلکه «حسن فاعلی» یعنی نیت خوب داشتن در انجام آن باید ضمیمه شود.

۴-۲- انتخاب استاد شایسته: تاثیر استاد و نوع ارزشها و نگرش ها و جهان بینی او در شاگردان جای هیچ تردیدی ندارد. به همین دلیل که انتخاب استاد شایسته و وارسته همواره مورد توجه و تاکید فراوان اولیای دین بوده است.

## «اخلاق معاشرت»

### ۱. اهمیت و جایگاه

در طول تاریخ همواره گروه هایی بوده و هنوز در گوشه و کنار جهان هستند که از معاشرت با دیگران پرهیز داشته و زندگی در انزوا و خلوت را ترجیح داده اند و برای این کار خود نیز دلایلی داشته و دارند. به عنوان مثال اجتماع و زندگی اجتماعی با دیگران را زمینه ساز گناه و انحراف می دانند. با وجود این حقیقت آن است که معاشرت و ارتباط سازنده با دیگران یکی از مهم ترین و اصلی ترین نیازهای روحی و روانی آدمیان است.

افزون بر این نکته دیگری که اهمیت و جایگاه ویژه معاشرت را در اخلاق نشان می دهد این است که بسیاری از فضایل و رذایل اخلاقی در ظرف معاشرت ظهور پیدا می کنند. معاشرت با دیگران یکی از بهترین ابزارها برای تهذیب نفس و خودسازی است؛ بسیاری از کسانی که از نظر معنوی و عرفانی رشد کرده اند یکی از مهم ترین عوامل موفقیت خود را تحمل طشت کاریها و قدرناشناسیهای معاشران خود دانسته اند.

## ۲. انواع معاشرت

۲-۱- **معاشرت های انسانی:** منظور از معاشرت های انسانی برخوردهایی است که با دیگران به عنوان یک انسان و همنوع داریم، صرف نظر از این که هم وطن، هم کیش، هم شهری یا خویشاوند ما هستند یا نه.

۲-۲- **معاشرتهای آیینی:** نوع دیگری از معاشرت هست که می توان آن را «معاشرت آیینی» یا دینی نامید. یعنی معاشرت ها و روابطی که هر فردی با سایر افراد هم کیش و هم مسلک خود دارد. پیامبر «ص» فرمود: کسی که فریاد استمداد برادر مسلمانی را بشنود ولی به یاری او نشتابد مسلمان نیست. این نشان دهنده ی وظیفه سنگین امت اسلامی در قبال برادران دینی خود است.

۲-۳- **معاشرتهای شهروندی:** هر کدام از ما به عنوان یک شهروند با سایر شهروندان دارای روابط خاصی هستیم که با غیر شهروندان چنان روابطی را نداریم. همین مساله نیز مسوولیتها و وظایف اخلاقی خاصی برعهده ی ما می گذارد و این مسوولیتها در مواردی فراتر از مسوولیتهایی است که در قبال همنوعان و هم کیشان خود داریم.

۲-۴- **معاشرت های دوستانه:** هریک از ما از میان هم نوعان، همشریان یا هم کیشان خود افراد خاصی را برمیگزینیم و با آنان روابط صمیمانه تری را برقرار می کنیم. این نوع از معاشرتها به دلیل تاثیرگذاری فوق العاده ای که بر روی شخصیت انسان دارد مورد توجه شدید و اکید اسلام و اولیای دین قرار گرفته است.

۲-۵- **معاشرت های خانوادگی:** هریک از ما از پدر و مادری خاص و عضوی از یک خانواده خاص هستیم. ما به عنوان یک فرزند در قبال والدین خود وظایف ویژه ای بر عهده داریم. احترام والدین، روابط همسران، نحوه ی تربیت فرزند، صله ی رحم و ده ها مساله خرد و کلان دیگر همگی مربوط به این نوع از معاشرت می شود.

### ۳- معیار معاشرت

«هرچه برای خود می پسندی برای دیگران هم بپسند» این قانون در حقیقت معیار و ملاکی کلی و عام برای اخلاق اجتماعی و نحوه ی معاشرت با دیگران به حساب می آید. بهترین و کامل ترین معیار برای سنجش درستی یا نادرستی رفتارهای اجتماعی ما همین معیار است.

### ۴- اهتمام به امور مردم

توصیه اکید اسلام این است که هر مسلمانی همواره باید دغدغه ی سایر انسانها را داشته باشد و نسبت به هدایت و ارشاد آنان احساس مسولیت کند. و هر جا که ظلمی را مشاهده می کند باید در حد توان خود در مقابل آن بایستد و هرگز کوتاه نیاید.

### ۵- اصلاح میان مردم

یکی از بهترین و مطلوب ترین اخلاقیات اجتماعی «اصلاح دات بین» است. بدون تردید در زندگی اجتماعی همواره ممکن است کدورتها و ناراحت ایی میان افراد پدید آید. در اینجا یکی از وظایف اخلاقی سایر افراد این است که میان آنان آشتی داده و اجازه ندهند که اختلاف جزئی به اختلافات ریشه ای و عمیق تبدیل شود.

### ۶- آسیب شناسی معاشرت با دیگران

۱- دخالت در امور خصوصی ۲- شایعه پراکنی ۳- سوء استفاده از دیگران

## ۷- دوستی و دوست یابی

اهمیت دوست و نقش انکارناپذیر دوستی در زندگی انسان برکسی پوشیده نیست. در برخی از روایات یکی از راههای شناخت دین و مذهب افراد شناخت دوستان آنان دانسته شده است. بنابراین دوستان انسان بهترین محک برای شناخت شخصیت او هستند.

### «اخلاق گفتگو»

#### ۱- اهمیت گفتگو

«پس بشارت ده به آن بندگان من که: به سخن گوش فرامی دهند و بهترین آن را پیروی می کنند اینانند که

خدایشان راه نموده و اینانند همان خردمندان.» «زمر/۱۷-۱۸)

اهمیت گفتگو برکسی پوشیده نیست. براساس نص آیات قرآن کریم خداوند برای آفرینش انسان با ملائکه به گفتگو پرداخت. البته باید توجه داشت که گفتگو انواع متعدد و متنوعی از قبیل گفتگوی تبلیغی، ارشادی، تعلیمی، آموزشی، اقناعی و احساسی دارد؛ و گفتگوی خداوند با فرشتگان و آدمیان را می توان از نوع گفتگوهای ارشادی و تعلیمی و هدایت گرایانه دانست.

## ۲- هدف گفتگو

### ۲-۱- انگیزه های مثبت:

الف) حق خواهی: گاهی برای یک فرد حقیقت و واقعیت مساله ای روشن نشده است و با گفتگو و مباحثه با دیگران به دنبال فهم حقیقت است. بدون تردید یکی از فواید و برکات مهم گفتگو و مباحثه و مناظره با صاحب نظران بهتر و بیشتر می توان حقیقت را شناخت. تجربه نشان داده است که انسان در جریان گفتگو بهتر و دقیق تر و با نگاه عمیق تری به مسائل می نگرد و افکار و اندیشه های انسان بیشتر به جریان می افتد.

ب) روشنگری: یکی دیگر از مهم ترین و ارزشمندترین اهداف گفتگو «روشنگری و هدایت و راهنمایی دیگران» است و این البته یکی از از وظایف اخلاقی ما نیز هست.

### ۲-۲- انگیزه های منفی: گاهی هدف از گفتگو صرفا غلبه بر طرف مقابل و به کرسی نشاندن سخن باطل و

نادرست و غیرمستدل خود است. یعنی انسان با که وجدانا می داند سخن یا ادعای او باطل و نادرست است اما باز هم بر آن پافشاری می کند و کار را به «جدال و مراء» می کشاند که یکی از بزرگترین و خطرناک ترین رذایل اخلاقی است.

## ۳- آداب اخلاقی گفتگو

### ۳-۱- تاکید بر نکات مشترک: دو فرد یا دو گروه زمانی می توانند به گفتگو بپردازند که مشترکاتی با یکدیگر

داشته باشند والا اگر بر سر هیچ مساله ای با یکدیگر توافق نداشته باشند هرگز امکان برقراری گفتگو میان آنان نخواهد بود. بهترین و عاقلانه ترین نقطه برای آغاز گفتگو این است که براساس زمینه های مشترک شروع شود.

**۳-۲- فهم موضوع گفتگو:** بدون شک گفتگو در خلا صورت نمی گیرد به آنکه حتما درباره مساله و موضوع خاصی رخ می دهد. یکی از ابتدایی ترین شرایط تحقق یک گفتگوی سازنده و مفید این است که طرفین گفتگو نسبت به موضوع بحث و همه ی ابعاد و جوانب آن آگاهی کافی داشته باشند.

**۳-۳- صراحت:** یکی دیگر از آداب اخلاقی گفتگو «صراحت بیان» و پرهیز از تکلف و تعارف در گفتار و دوری کردن از به کار بردن سخنان کنایه آمیز و چندپهلو و مبهم است. در یک گفتگوی حق طلبانه و حق خواهانه هرگز نباید از کلمات و سخنانی استفاده شود که تاب تفاسیر متعدد و متنوعی را دارند.

**۳-۴- توجه به گفته و نه گوینده:** یکی از آداب اخلاقی گفتگو که رعایت آن موجب می شود تا گفتگو از مسیر درست خارج نشود این است که طرفین در طول بحث و گفتگوی خود همواره باید به بررسی ادله و مستندات یکدیگر بپردازند و هرگز نباید اجازه دهند که مسائله حاشیه ای چون انگیزه خوانی و بیان اهداف و نیات سوء طرف مقابل و امثال آن در روند گفتگو اخلال ایجاد نمایند.

**۳-۵- استدلال طلبی و حق محوری:** یکی دیگر از شرایط تحقق گفتگوی سازنده و سودمند این است که طرفین گفتگو حقیقتا بنای بر پیروی از واقعیت و حقیقت براساس مستندات معقول و مقبول داشته باشند.

#### **۴- آفات گفتگو**

در حقیقت کم توجهی به آداب اخلاقی گفتگو و یا عدم مراعات هریک از آنها می تواند به روند سالم گفتگو آسیب رساند و مسیر درست آن را به انحراف بکشاند. به عنوان مثال کسی که دلیل طلبی و پیروی از دانش را محور قرار ندهد و از هواهای نفسانی و مطامع درونی خود پیروی کند.

۴-۱- **شخصیت زدگی:** یکی از آفات و آسیبهای اخلاقی گفتگو این است که به جای ذکر دلیل و بیان استدلال برای نظر خود شخصیت پیشینیان را محور قرار دهیم. و به جای برخورد منطقی با استدلال های طرف مقابل به تقلید کورکورانه از گذشتگان و سنت جاهلانه آنان بپردازیم.

۴-۲- **مراء یا جدالگری:** یکی دیگر از بدترین و مخرب ترین آفتهای گفتگو «جدال و مراء» است. البته میان تعریف اصطلاحی مراء و جدال تفاوتی وجود دارد که در کتابهای اخلاقی مورد بررسی قرار گرفته است. و آن عبارت است از «پیکار لفظی و ستیزه در کلام جهت چیره شدن برطرف مقابل و ساکت کردن او.»

کسی که دارای روحیه ی مراء و جدال است همواره در پی به کرسی نشاندن سخن خود است، ولو این که باطل بودن آن برای او آشکار شود.

## «اخلاق نقد»

### ۱. اهمیت و جایگاه

بدون تردید یکی از مهم ترین نشانه های شکوفایی علم و اندیشه در یک جامعه و هم چنین یکی از علائم رشد و بالندگی و پویایی یک ملت رونق گرفتن مباحثات علمی، تضارب آراء و تبادل افکار است. بنابراین یکی از شرایط لازم برای تحقق این نشاط و پویایی علمی در جامعه و ایجاد یک جامعه علم دوست و اندیشه پرور آزادی اندیشمندان و عالمان در ارائه ی اندیشه ها و نظریات علمی خود است.

## ۲- معاشناسی نقد

نقد و انتقاد به معنای «ارزیابی منصفانه یک چیز» است. و در این ارزیابی در بسیاری از موارد لازم است در کنار بیان نقاط ضعف، نقاط قوت را نیز متذکر شد. به تعبیر برخی از نویسندگان: انتقاد به معنی مذمت کردن نیست و انتقاد کننده می تواند کتاب نویسنده یا شعرگوینده ای را انتقاد نماید بدون این که کلمه ای نادرست در آن یافته و نکوهش کرده باشد بلکه ممکن است تمام تعریف کند. ممکن هم هست کتابی را انتقاد نماید و کلمه ای در خور ستایش در آن نیابد پس کلمه ی انتقاد به معنی نکته گیری و عیب جویی نیست بیشتر به معنی نکته سنجی و تحقیق است.

## ۳- شرایط اخلاقی نقد

۳-۱- **فهم سخن و تبحر در موضوع:** اگر در نقد به ویژه نقدهای علمی ناقد در پی بیان درستیه‌ها و نادرستیه‌های یک اندیشه است طبیعتاً نخستین شرط این کار آن است که آن سخن را به درستی فهمیده باشد. نقد کردن بدون فهمیدن و رد کردن بدون درک کردن نشانه ی گستاخی جاهلانه و حق ناشناسی نقاد است.

۳-۲- **کنار نهادن حب و بغض:** یکی از مهم ترین مسائلی که رعایت آن شرط اصلی فهم سخن گوینده یا نویسنده و همچنین شرط اصلی درک حقیقت یک گفتار یا رفتار است کنار نهادن حب و بغضها است. تاثیر حب و بغض تا آنجا است که می تواند هنر را عیب و عیب را هنر جلوه دهد.

**۳-۳- پرهیز از نقد متقابل:** یکی دیگر از آفت های اخلاقی بزرگ در عرصه ی نقد و نقادی این است که بسیاری از نویسندگان در پاسخ نقدهای یک ناقد بدون آن که به پاسخ گویی نقدها بپردازند به بررسی آثار ناقد و مطالعه ی سرگذشت و تاریخچه ی ناقد پرداخته و می کوشند تا به گونه ای از لابلای اندیشه ها و اعمال خودش بی عملی ها و نادرستیهایی را استخراج کنند و آنها را به رخ ناقد بکشند.

**۳-۴- نقد انگیزه به جای انگیزه:** از بزرگترین آفتهای اخلاقی در عرصه ی نقد خلط انگیزه و انگیزه است. کسی که مورد نقد قرار می گیرد به جای پرداختن به پاسخ نقدهای ناقد به کالبدشکافی نیت و انگیزه او اقدام می کند. انگیزه خوانی یکی از مغالطاتی است که در بسیاری از گفتگوها و مشاجرات سیاسی و اجتماعی و حتی علمی رواج دارد.